

دوفصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان
سال ۱۳ شماره ۴۰ بهار و تابستان ۱۴۰۰ (صص ۲۹-۴۲)

نگاهی مقایسه‌ای به آزادی در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان

۳- زهرا مرزیه

۲- نادر مختاری افرکتی

۱- میثم احمدی

چکیده

این نوشتار به روش تحلیل مقایسه‌ای در صدد پاسخ‌گویی به این سوال است که وجوه افتراق و اشتراک آزادی در قانون اساسی ایران و پاکستان کدام است؟ بی‌تردید قانون اساسی هر کشور مهم‌ترین سند راهبردی و سند شناسایی آرمان‌ها و ارزش‌های هر کشور و مهم‌ترین مرجع برای شناخت اصول اساسی کشورها می‌باشد. در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان به آزادی به مثابه یک حق فطری بسیار اهمیت داده شده است و آزادی‌ها و حدود آن را به طور دقیق بیان نموده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان اشتراکات فراوانی در زمینه آزادی دارند، این اشتراکات عبارتند از: آزادی احزاب و جمعیت‌ها، آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، آزادی در انتخاب شغل، آزادی‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی، آزادی مربوط به اقوام و قبایل، آزادی عقیده، آزادی مطبوعات، آزادی فرق اسلامی. نتیجه بدست آمده از این پژوهش آن است که هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و پاکستان در خصوص آزادی و حدود و ثغور آن بسیار نزدیک به هم هستند و ریشه این تشابه، تأثیر هر دو کشور از مبانی اسلامی و جایگاه مهم مبانی اسلام در اعتقادات هر دو کشور می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: قانون اساسی، آزادی، حقوق ملت، حقوق شهروندی.

۱- مقدمه

یکی از مباحث مهم و کلیدی در مقوله حقوق بشر بحث آزادی است. این بحث و متفرعات آن از جمله آزادی عقیده، آزادی بیان، و... همواره محل بحث اندیشمندان بوده است. با سیری در

۱- دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق دانشگاه تهران Email: Meysamahmadi1368@ut.ac.ir

۲- استادیار گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان (نویسنده مسئول)

۳- کارشناس ارشد گروه فقه و مبانی حقوق دانشگاه سیستان و بلوچستان

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۱/۱۷

تاریخ دریافت: ۹۹/۱/۱۹

تاریخ به این نکته اذعان خواهیم داشت که در خصوص حدود و ثغور آزادی همواره بحث‌هایی مطرح بوده است که به فراخور زمان و آداب اجتماعی و نوع آن متفاوت بوده است؛ زمانی دامنه این بحث به بردگی انسان‌ها معطوف بوده و زمانی به آزادی بیان و عقیده و زمانی دیگر به بحث آزادی دین و... نکته‌ی شایان ذکر این است که در طول تاریخ هیچ متفکری آزادی بی‌قید و شرط را نپذیرفته و عمده نزاع در خصوص حدود و ثغور آزادی بوده است چه آنکه آزادی در بسیاری از موارد دستاویزی برای قانون‌گزیزی افراد بوده است و بسیاری از افراد به بهانه آزادی از انجام برخی تکالیف سرباز می‌زدند و عده‌ای با پشتوانه آزادی بسیاری از حقوق مردم و جامعه را نادیده می‌انگاشتند.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان به سبب هم‌جواری این دو کشور و ریشه‌های مذهبی متحد در بسیاری از موارد با یکدیگر مشابه هستند یکی از این تشابهات آزادی به عنوان یکی از برجسته‌ترین حقوق شهروندی است. سوال اصلی این پژوهش آن است که با مطالعه تطبیقی بین قانون اساسی کشور ایران و پاکستان، میزان توجه به این امر مهم را ارزیابی و با مقایسه بین قوانین دو کشور کاستی‌ها و نقاط قوت این دو کشور را در این زمینه مشخص نماییم.

۱-۱- بیان مساله و سوالات اصلی تحقیق

قانون اساسی کشورها، مهمترین سند راهبردی هر کشور است که اصول اساسی قانون هر کشور در آن آمده است آزادی افراد جامعه نیز به عنوان یکی از مهمترین نیازهای هر جامعه در قانون اساسی کشورها آمده است این مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و جمهوری اسلامی پاکستان نیز مورد تاکید قانون‌گذار بوده است به طوری که فصلی مجزا را در قانون اساسی هر دو کشور بدان اختصاص داده‌اند لیکن این آزادی در دو کشور ایران و پاکستان بی‌قید و شرط نبوده و محدودیت‌هایی در جهت حفظ نظام، تمامیت ارضی و رعایت حقوق دیگران و مصالح عمومی اعمال شده است. در این پژوهش سعی بر آن شده است به سوالات ذیل پاسخ داده شود:

۱- وجوه افتراق و اشتراک آزادی در قانون اساسی ایران و پاکستان کدام است؟

۲- میزان اهتمام دو کشور ایران و پاکستان و محدودیت‌های اعمال شده در قانون اساسی دو کشور تا چه میزان است؟

۲-۱- اهداف و ضرورت پژوهش

اهداف نگارندگان از این پژوهش عبارت‌اند از: ۱- بررسی میزان توجه و التفات این دو کشور به مقوله آزادی به مثابه یک نیاز اساسی در جامعه؛ ۲- بررسی افتراقات و اشتراکات قانون اساسی ایران و پاکستان در مقوله آزادی. ضرورت این پژوهش از آن جهت است که کشورهای ایران و پاکستان به دلیل هم‌جواری و داشتن ریشه‌های تاریخی و مذهبی واحد از جهات مختلفی با یکدیگر تشابه دارند. لذا مقایسه قوانین موجود دو کشور، کمک شایانی به برجسته شدن نقاط ضعف و قوت قانون آنان می‌کند.

۳-۱- روش تحقیق

این پژوهش به روش تحلیل مقایسه‌ای و با بهره‌گیری از ابزار کتابخانه‌ای و قانون اساسی ایران و پاکستان تنظیم شده است.

۴-۱- پیشینه تحقیق

جست و جو در منابع نوشتاری موجود نشان می‌دهد که تاکنون مقالاتی که در این حوزه نگارش یافته‌اند ناظر به بحث آزادی بوده و نگرش تخصصی به مقوله آزادی در قانون اساسی ایران و مقایسه آن با قانون اساسی پاکستان نداشته است. به عنوان مثال فراتی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی آزادی در اندیشه امام خمینی» (فراتی، ۱۳۸۷، مجله حکومت اسلامی)، به طرح دیدگاه‌های امام راحل (ره) در خصوص آزادی پرداخته است. ازندهای و همکاران در مقاله‌ای با عنوان «عنوان مطالعه تطبیقی قانون اساسی ایران و پاکستان از منظر حقوق شهروندی و تاثیر آن بر وحدت ملی» (ازندهای و همکاران، ۱۳۹۳، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی)، مسأله حقوق شهروندی را در ایران و پاکستان از جهت ایجاد وحدت ملی بررسی کرده‌اند. شایان فر در مقاله‌ای با عنوان «مطالعه تطبیقی حقوق ملت در قانون اساسی ایران و پاکستان» (شایان فر، ۱۳۹۳، مجله مطالعات شبه قاره) حقوق دو ملت را براساس قانون اساسی دو کشور ایران و پاکستان تحلیل کرده است. در تمام این آثار

مقوله آزادی نیز مورد بحث قرار گرفته است اما این مقاله به طور مستقل و در سطحی گسترده به مسأله آزادی در قانون اساسی دو کشور می پردازد.

۲- بررسی آزادی

۱-۲- مفهوم آزادی در لغت و اصطلاح

یکی از مفاهیم پیچیده در ادبیات، مفهوم واژه آزادی است به همین سبب برخی اندیشمندان بر این باورند ارائه تعریفی جامع از آزادی ممکن نیست (فرانس: ۱۳۸۲، ۱۸) پیچیدگی این واژه به حدی است که تاکنون بالغ بر دویست مفهوم برای آن ذکر گردیده است. آزادی در لغت به معنای عتق، حریت، اختیار، خلاف بندگی و رقیت و عبودیت و اسارت و اجبار، قدرت عمل و ترک عمل، قدرت انتخاب است (دهخدا: ۱۳۸۵، ۵۱/۱ ذیل واژه آزادی). عقیده نیز به معنای باور و فکر و آنچه انسان به آن باور دارد می باشد (معین: ۱۳۸۲، ۳۲. ذیل واژه عقیدت). و در اصطلاح آزادی عقیده بدین معناست که من هر عقیده‌ای را که دلم می‌خواهد اختیار کنم و بعد هم در عقیده خودم آزاد باشم، یعنی کسی به خاطر عقیده‌ام مزاحم من نشود (مطهری: ۱۳۷۷/۸۳۱).

امام خمینی (ره) در پاسخ به خبرنگاری که از وی در مورد مفهوم آزادی پرسید، فرمود: «آزادی یک مسأله‌ای نیست که تعریف داشته باشد. مردم عقیده‌شان آزاد است، کسی الزامشان نمی‌کند که شما باید حتماً این عقیده را داشته باشید. آزادی یک چیز واضحی است» (موسوی خمینی: ۱۳۶۱، ۸۸/۹).

۲-۲- مبانی آزادی در اسلام

دین اسلام با در نظر گرفتن ارزش‌های انسانی و احترام به فطرت انسان از همان بدو پیدایش به آزادی به عنوان یک اصل اساسی تاکید داشته است این مهم به صراحت در آیات و روایات اسلامی منعکس شده است؛ در آیه ۲۵۶ سوره مبارکه بقره در خصوص آزادی در انتخاب دین و عدم اجبار به گرایش دین آمده است که در دین اکره و اجبار نیست چه آنکه دین یک سلسله مسائل اعتقادی قلبی است که اجبار به آن غیرممکن است (طباطبایی: ۱۴۱۷، ۲/۳۴۲). با تأمل در شأن نزول این آیه مشخص می‌شود رویکرد اسلام در انتخاب دین بسیار آزادانه است زیرا این آیه در خصوص مردی از اهل مدینه به نام «ابو حصین» است که دو پسر داشت که در برخورد با

تجار مسیحی تحت تاثیر عقائد و تبلیغ آنان به مسیحیت گرویدند و پدرشان نزد رسول خدا رفت و خواست که ایشان را به اسلام بازگرداند که این آیه نازل شد (ذکواتی: ۱۳۸۳، ۴۶/۱). همچنین خداوند در آیه ۹۹ سوره یونس می‌آورد: «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ الْمَنَ فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا فَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: ۹۹) «و اگر پروردگار تو می‌خواست، تمام کسانی که روی زمین هستند، همگی به (اجبار) ایمان می‌آوردند آیا تو می‌خواهی مردم را مجبور سازی که ایمان بیاورند؟! (ایمان اجباری چه سودی دارد؟! این آیه اشاره به این مطلب دارد که ایمان باید اختیاری باشد، اکراه در دین جایگاهی ندارد (طباطبایی، ۱۳۷۴، ۱۰: ۱۸۷).

پیامبر (ص) خیلی مایل بودند که همه مردم ایمان بیاورند، قرآن می‌گوید: اجبار در ایمان معنایی ندارد و همان‌طور که خدا مردم را در پذیرش امری اجبار نکرده، پیامبر هم باید مردم را در انتخاب عقیده و دین آزاد بگذارد (مطهری، ۱۳۶۱/۳۶).

در آیه ۲۹ سوره کهف آمده است: «وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِنْ وَ مَن شَاءَ فَلْيُكْفُرْ» (کهف: ۲۹). بگو به مشرکین یا محمد از طرف پروردگار شما حق آشکار شده و باطل زایل شده است، الحال اختیار با شماست که آیا راه نجات اختیار کنید یا راه شقاوت و هلاکت را. شهید مطهری در تفسیر آیه می‌گوید: «هر که دلش می‌خواهد ایمان بیاورد، هر که هم دلش نمی‌خواهد ایمان بیاورد، کافر باشد، کافر زیست کند. ایمان و کفر اختیاری است، بنابر این اجباری نیست؛ اسلام نمی‌گوید که با اجبار این‌ها را وارد اسلام کنید» (همان/ ۳۵، ۳۶).

خداوند در سوره انسان می‌آورد: «إِنَّا هَدَيْنَا السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا» (انسان: ۳) «ما راه را به او نشان دادیم، خواه شاکر باشد (و پذیرا گردد) یا ناسپاس!» با توجه به آیات فوق، آزادی عقیده به عنوان یک اصل اولی و یک حق فطری مورد توجه و پذیرش قرآن می‌باشد. و به همین سبب امام علی (ع) در خطبه ۳۱ نهج البلاغه در وصیتی به امام حسن (ع) می‌فرماید: «لَا تَكُنْ عَبْدًا غَيْرِكَ وَقَدْ جَعَلَكَ اللَّهُ حُرًّا» (نهج البلاغه، خطبه ۳۱: ۴۱) «خود را عبد دیگری قرار مده، در حالی که خداوند تو را آزاد آفریده است.» خداوند در سوره غاشیه خطاب به پیامبر (ص) می‌گوید: «فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ»

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ (غاشیه: ۲۱-۲۲). «پس تذکر ده که تو فقط تذکر دهنده‌ای! تو سلطه‌گر بر آنان نیستی که (بر ایمان) مجبورشان کنی».

در این آیه خداوند به پیامبر (ص) خطاب می‌کند که تو فقط تذکر دهنده‌ای و اگر به تذکر تو گوش فرا ندادند از آن‌ها روی گردان. و برخی از مفسرین گفته‌اند که تو بر آن‌هایی که کفر ورزند دست زور نداری (طباطبایی: ۱۳۷۴، ۲۰ / ۴۶۱).

علاوه بر موارد فوق، با بررسی در سیره عملی معصومان (ع) به مواردی برمی‌خوریم که معصومان (ع) در برخورد با عقاید الحادی منکران خدا و بی‌دینان نظیر ابن مقفع، ابن ابی العوجاء، و دیصانی با روشی کاملاً استدلالی و بر اساس احترام به عقاید طرف مقابل با آن‌ها به بحث می‌نشستند و آنان نظرات و اندیشه‌های الحادی خویش را بدون هیچ‌گونه ترس و واهمه‌ای با امام (ع) مطرح می‌کردند (کلینی: ۱۴۰۷، ۱ / ۷۲-۸۲). بنابراین آزادی عقیده و بیان از حقوق مسلم همه‌ی انسان‌ها می‌باشد و تجاوز به این حق ستمی بزرگ به انسان‌ها می‌باشد؛ آیه شریفه‌ی: خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ (الرحمن: ۳ و ۴) «خداوند انسان را آفرید و بیان را به او آموخت.» این آیه نیز به اهمیت بیان اشاره دارد. البته هتک حیثیت افراد و تعرض به حقوق دیگران و توهین به مقدسات آنان به هیچ وجه تحت عنوان آزادی بیان و عقیده قرار ندارد و جایز نیست.

همچنین سیره عملی امام (ع) بر آزادی و عدم تحمیل اجبار بوده است؛ به عنوان مثال امام (ع) در سخنرانی خود فرمودند: از من سؤال کنید قبل از این که مرا از دست بدهید، در این هنگام فردی یهودی با اتهام جهالت به امام (ع) خواستار طرح سؤالی از امام (ع) شد، یاران امام (ع) خواستند وی را تنبیه کنند که امام (ع) فرمود: عجله نکنید و با عصبانیت و خشم نمی‌شود دین خدا را استوار ساخت آن گاه حضرت از آن یهودی خواست تمام سؤالاتش را از او بپرسد (مجلسی: ۱۴۱۰ / ۱۲۶).

۳-۲- آزادی در قانون اساسی ایران و پاکستان

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان از جهاتی در خصوص آزادی با یکدیگر مشترک هستند و این وجه اشتراک را باید در مبانی اعتقادی و مذهبی دو کشور جستجو کرد. قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون اساسی جمهوری پاکستان به دلیل اسلامی بودن از جهات زیادی به هم نزدیک هستند.

۱-۳-۲- آزادی احزاب و جمعیت‌ها

در عصر کنونی احزاب از ارکان اساسی هر جامعه هستند و در بقاء و دوام آن حکومت نقش غیر قابل انکاری دارند به همین دلیل اکثر کشورها برای آزادی احزاب و جمعیت‌ها اهمیت ویژه‌ای قائل هستند. هم دولت و هم جامعه نیاز به حزب دارد؛ علت اینکه جامعه نیاز به حزب دارد این است که امروزه خواسته‌های گروه‌ها و اقشار متفاوت شده است و درکشان از نیازهای طبقاتی شان افزایش پیدا کرده است لذا برای برآوردن خواسته‌هایشان نیاز به حزب دارند و از سوی دیگر دولت نیز احساس می‌کند که بدون حزب قابلیت تداوم ندارد. دولت‌ها نیاز به این دارند که با جامعه ارتباط داشته باشند و یکی از راه‌های ارتباط وجود حزب است البته صرف وجود حزب کافی نیست باید موانع حزب برطرف شود آسیب شناسی جدی صورت پذیرد. مفاهیم توسعه سیاسی، مشارکت مردم، مشروعیت سیاسی، قانونمندی، تحمل و مدارا، نظم و ثبات سیاسی مفاهیمی هستند که نقطه تلاقی آنها ظهور احزاب و گروه‌های سیاسی می‌باشد؛ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل بیست و ششم می‌آورد: «احزاب، جمعیت‌ها، انجمن‌های سیاسی و صنفی و انجمن‌های اسلامی یا اقلیت‌های دینی شناخته شده آزادند، مشروط بر اینکه اصول استقلال، آزادی، وحدت ملی، موازین اسلامی و اساس جمهوری اسلامی را نقض نکنند. هیچ کس را نمی‌توان از شرکت در آنها منع کرد یا به شرکت در یکی از آنها مجبور ساخت.» (جهانگیر: ۱۳۷۶؛ اصل ۲۶ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). این اصل به نحوی در قانون اساسی پاکستان نیز آمده است: «هر شهروند، با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون به منظور حفظ حاکمیت یا تمامیت ارضی پاکستان و نظم و اخلاق عمومی وضع کرده است، حق تشکیل انجمن‌ها یا اتحادیه‌ها را خواهد داشت با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون به منظور حفظ حاکمیت یا تمامیت ارضی پاکستان وضع کرده است، هر شهروندی که شاغل در دستگاه دولتی کشور نباشد، حق تشکیل احزاب سیاسی یا عضویت در آنها را دارد. قانون مزبور مقرر خواهد کرد که هر گاه حکومت مرکزی اعلام کند که تشکیل یا فعالیت هر حزب سیاسی مخل حاکمیت و تمامیت ارضی کشور می‌باشد، ظرف پانزده روز از این اعلام، حکومت مزبور موضوع را به دیوان

عالی ارجاع خواهد کرد تا تصمیم‌نهایی توسط دیوان اتخاذ شود.» (آفتاب: ۱۹۷۴: اصل ۱۷ قانون اساسی پاکستان).

طبیعی است که آزادی وجود احزاب باید در قانون اساسی کشورها وجود داشته باشد چه آنکه احزاب و گروه‌های متفاوت باعث رشد و رونق کشور در همه زمینه‌ها می‌شود زیرا وجود احزاب در کشورها نوعی رقابت برای تثبیت بوجود می‌آورد و از طرفی نیز هر حزب عملاً سایر احزاب را رصد می‌کند و به نوعی نظارت بر احزاب دیگر دارد لیکن نباید انتظار داشت که آزادی بی قید و شرط باشد بنابراین در قانون اساسی هر دو کشور آزادی محدود به رعایت نظامات و عدم تعرض به اصل حکومت شده است. همه کشورهای دنیا هر گونه اقدام علیه حاکمیت خود را بر نمی‌تابند و با هر گونه اقدام در این جهت به شدت برخورد می‌کنند؛ لذا این مهم در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و پاکستان صراحتاً بیان شده است.

۲-۳-۲- آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها

آزادی اجتماع عبارت است از اینکه افراد بتوانند برای تبادل افکار و یا دفاع از منافع خود در اجتماع در اموری از قبیل سخنرانی، راه‌پیمایی آزادانه شرکت کنند (طباطبایی مؤتمنی: ۱۳۹۴: ۵۹/). آزادی اجتماعات و تظاهرات یکی از مصادیق و نشانه‌های دموکراسی است که با مشارکت عملی و حضور مستقیم در صحنه، سخن خود را بدون واسطه به گوش زمام‌داران برسانند. گاهی ممکن است در تحقق حقوق و آزادی‌های عمومی افراد جامعه اخلاص یا کاستی ایجاد شود و مردم در تنگنا قرار گیرند اما همدلی و اجتماع به افراد و احزاب این قدرت را می‌دهد که برای مطالبه خواسته‌های مطلوبشان حکومت و افکار عمومی را متوجه خواسته‌هایشان سازد.

در اصل بیست و هفتم قانون اساسی ایران آمده است: «تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، بدون حمل سلاح، به شرط آنکه محل به مبانی اسلام نباشد آزاد است» (جهانگیر: ۱۳۷۶: اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). این اصل مطابق با اصل ۱۶ قانون اساسی پاکستان است: «با رعایت محدودیت‌های متعارفی که قانون با توجه به منافع عموم وضع می‌کند، هر شهروند حق

تشکیل اجتماعات آرام و غیر مسلحانه را خواهد داشت» (آفتاب: ۱۹۸۴: اصل ۱۶ قانون اساسی پاکستان).

البته باید دانست که اجتماعات خصوصی افراد که در محیط خانه اتفاق می‌افتد تابع هیچ گونه تشریفات نیست. (منوچهری موتمنی، ۱۳۹۴/۹۷۶). نکته قابل توجه در قانون اساسی هر دو کشور ایران و پاکستان آزادی راه‌پیمایی در حدود متعارف و با رعایت عدم اختلال در زندگی سایر شهروندان است زیرا هیچ کس نمی‌تواند به بهانه آزادی و داشتن آزادی، حقوق سایر شهروندان را مختل کند.

۳-۲-۳- آزادی در انتخاب شغل

آزادی در انتخاب آزادانه هر شغلی، لازمه هر حکومتی است زیرا شغل هر فرد به گونه‌ای با سرنوشت وی گره خورده است در همین راستا قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می‌دارد: «هر کس حق دارد شغلی را که بدان مایل است و مخالف اسلام و مصالح عمومی و حقوق دیگران نیست برگزیند. دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون برای همه‌ی افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد نماید» (جهانگیر: ۱۳۷۶: اصل ۲۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). همچنین در بند چهار اصل چهل و سوم قانون اساسی در مورد ضوابط اقتصادی در جهت جلوگیری از فقر می‌آورد: «رعایت انتخاب آزادی شغل، و عدم اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری» (جهانگیر: ۱۳۷۶: اصل ۴۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). اصل هیجدهم قانون اساسی پاکستان می‌آورد: «با رعایت برخی شرایط که توسط قانون معین می‌شوند، هر شهروند حق اشتغال به هر نوع کسب یا تجارت قانونی را خواهد داشت. مع‌هذا، هیچ چیز در این اصل مانع از انجام امور ذیل نمی‌شود: الف) تنظیم هر نوع تجارت یا حرفه بوسیله سیستم صدور پروانه، ب) تنظیم تجارت، بازرگانی یا صنعت به منظور ایجاد رقابت آزاد در آن، ج) انجام هر نوع تجارت، کسب و پیشه، صنعت یا خدمات توسط حکومت مرکزی یا ایالتی یا شرکت تحت کنترل یکی از حکومت‌های مزبور بطوری که به صورت کلی یا جزئی مانع سایر افراد شود» (آفتاب: ۱۹۸۴: اصل ۱۸ قانون اساسی پاکستان). در مبانی اسلامی یکی از با فضیلت‌ترین عبادات طلب روزی حلال است چنانکه امام صادق می‌فرماید: «العبادة سبعون جزءا أفضلها طلب الحلال» (کلینی: ۱۴۰۷، ۷۸/۵).

طوسی: ۱۴۰۷، ۶/ ۳۲۴). عبادت هفتاد قسم است که با فضیلت‌ترین آن طلب روزی حلال است. همچنین اصل اباحه بیانگر آزادی انتخاب شغل است مگر اینکه دلیلی بر خلاف آن وجود داشته باشد. (مازندرانی: ۱۴۲۵، ۲۳/۱). هر چند که انجام کار و داشتن شغل ذاتاً ممدوح است اما هیچ کس را نباید به کاری مجبور کرد همان‌طور که پیامبر اکرم در نامه‌ای به عبد الله بن جحش تأکید نمود که کسی را با اکراه وادار به کار مکن (زنجانی: ۱۴۲۱، ۱/ ۴۲۱). لذا افراد در انتخاب شغل آزادند و هیچکس را نمی‌توان به انجام کاری مجبور کرد. در اسلام نیز هر نوع کسب و کار مباح است، مگر اینکه بر خلاف قوانین و شئون شرعی که اسلام فرموده است، باشد به عنوان مثال کسی نمی‌تواند کارخانه‌ای را برای شرب خمر دایر نماید و یا فردی قمارخانه دایر کند و از طریق آن امرار معاش نماید لذا همان‌طور که افراد در انتخاب شغل کاملاً آزاد هستند کسی نمی‌تواند افراد را به کار کردن و یا به کار خاصی اجبار نماید البته این اصل در صورت مدیون بودن فرد و عدم توانایی پرداخت بدهی استثناء شده است (نجف آبادی: ۱۴۰۹، ۴/ ۱۷۳).

۴-۳-۲- آزادی‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی

گسترش جهان و ارتباط تنگاتنگ مذاهب با یکدیگر و تأثیرات و تأثرات آنان از یکدیگر باعث شده است که قوانینی اساسی کشورها حقوق اقلیت‌های دینی را مد نظر قرار دهند. اصل سیزده قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بیان می‌دارد: «ایرانیان زرتشتی، کلیمی و مسیحی تنها اقلیت‌های دینی شناخته می‌شوند که در حدود قانون در انجام مراسم دینی خود آزادند و در احوال شخصی و تعلیمات دینی بر طبق آئین خود عمل می‌کنند» (جهانگیر: ۱۳۷۶: اصل ۱۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). طبیعی است که در جامعه‌ی سیاسی مبتنی بر حاکمیت یک دین و مذهب، نمی‌توان همانند کشورهای با حاکمیت غیر مذهبی، به حقوق کاملاً برابر دست یافت و اقلیت‌های مذهبی طبعاً ناگزیر به تبعیت از دین رسمی کشور هستند اما در مورد برخی از آزادی‌هایی که در این اصول وجود دارد قانونگذار سعی بر آن داشته است که تا حد امکان جانب عدالت را رعایت کرده و حقوق اقلیت‌ها را محترم بشمارد این اصل در قانون اساسی پاکستان با صراحت و واضح‌تر بیان شده است: «با رعایت قانون، نظم اخلاق عمومی: الف) هر شهروندی حق گرایش، ادای فرایض و ترویج دین خود را خواهد داشت. ب) هر گروه مذهبی و فرقه‌های آن حق

تشکیل، ایجاد و اداره مؤسسات مذهبی خود را خواهد داشت» (آفتاب: ۱۹۸۴: اصل ۲۰ قانون اساسی پاکستان). این مطلب به وضوح درمیانی اسلامی یافت می‌شود. در آیه ۲۵۶ سوره بقره آمده است: «لا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ» (بقره: ۲۵۶). در قبول دین، اکراهی نیست. (زیرا) راه درست از راه انحرافی، روشن شده است. این آیه یکی از آیات در خصوص عدم اجبار افراد در خصوص پذیرش دین خاصی است و لذا وقتی انسان در انتخاب دین آزاد است پس باید در خصوص اعمال آن نیز آزاد باشد چون بین آزادی انتخاب دین و آزادی عقائد ملازمه برقرار است.

۵-۳-۲- آزادی‌های مربوط به اقوام و قبایل

اصل ۱۵ قانون اساسی ایران بیان می‌دارد: «زبان و خط رسمی و مشترک مردم ایران فارسی است. اسناد و مکاتبات و متون رسمی و کتب درسی باید با این زبان و خط باشد ولی استفاده از زبان‌های محلی و قومی در مطبوعات و رسانه‌های گروهی و تدریس ادبیات آنها در مدارس، در کنار زبان فارسی آزاد است» (جهانگیر: ۱۳۷۶: اصل ۱۵ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). قانون اساسی پاکستان طور کلی به حقوق اقلیت‌ها توجه نموده و در اصل سی و ششم آورده است: «دولت از حقوق و منافع مشروع اقلیت‌ها از جمله حضور کامل آنان در دستگاه‌های ایالتی و کشوری، حمایت خواهد نمود» (آفتاب: ۱۹۸۴: اصل ۳۶ قانون اساسی پاکستان).

۶-۳-۲- آزادی عقیده

یکی از آزادی‌هایی که انسان‌ها فطرتاً خواهان آن هستند آزادی عقیده است به این معنا که هر کس بدون هیچ واژه و ترسی عقیده خویش را بیان دارد. در طول تاریخ افراد زیادی به سبب داشتن عقیده خود شکنجه شده اند و حتی جان خویش را از دست داده‌اند؛ اصل بیست و سوم قانون اساسی ایران به این نکته توجه داشته و بیان می‌دارد: «تفتیش عقائد ممنوع است و هیچ کس را نمی‌توان به صرف داشتن عقیده‌ای مورد تعرض و مواخذه قرار داد.» (جهانگیر: ۱۳۷۶: اصل ۲۳ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). در الحاقیه دوم قانون اساسی پاکستان یکی از اهداف تدوین قانون اساسی را ایجاد تساوی شرایط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نیز آزادی اندیشه، بیان، عقیده، اعتقاد، عبادت، معاشرت، بر اساس قانون و اخلاق عمومی می‌داند. هر چند آزادی عقیده در

متن و اصول قانون اساسی پاکستان ذکر نگردیده اما قانونگذار به آزادی عقیده نظر داشته و آن را به نحو ضمنی در متن الحاقی بیان داشته است.

۷-۳-۲- آزادی مطبوعات

مطبوعات همواره نقش بسزایی در آگاه سازی اذهان عمومی و مردم داشته است و در تمام دنیا افراد زیادی بخشی از وقت خود را صرف مطالعه مطبوعات می نمایند؛ لازمه این استقبال آزادی مطبوعات در زمینه های مختلف است لذا آزادی مطبوعات از آزادی های اساسی مورد تاکید قانون اساسی ایران و پاکستان بوده است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اصل ۲۴ بیان می دارد: « نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند مگر آن که مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشد. تفصیل آن را قانون معین می کند.» اما این اصل در قانون اساسی پاکستان ذیل آزادی بیان آمده است: « هر شهروند حق برخورداری از آزادی بیان و گفتار را خواهد داشت، با رعایت محدودیت های متعارفی که قانون برای احترام به ساحت اسلام یا تمامیت ارضی، امنیت یا دفاع از پاکستان یا هر بخشی از آن، و احترام به روابط حسنه با دولتهای خارجی، و نظم عمومی و احترام به آداب و اخلاق عمومی، ممانعت از اختلال در دادگاه، ارتکاب یا تشویق جرمی وضع می نماید، مطبوعات نیز آزاد خواهند بود» (آفتاب: ۱۹۸۴: اصل ۱۹ قانون اساسی پاکستان). نکته قابل توجه در اصول ذکر شده در دو کشور ایران و پاکستان این است که هر دو کشور آزادی مطبوعات را نیز بی قید و شرط ندانسته و مقید به عدم اختلال و تشویش جامعه نموده اند.

۸-۳-۲- آزادی فرق اسلامی

اصل دوازدهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مقرر می دارد: «دین رسمی ایران، اسلام و مذهب جعفری اثنی عشری است و این اصل الی الابد غیر قابل تغییر است و مذاهب دیگر اسلامی اعم از حنفی، شافعی، مالکی، حنبلی و زیدی دارای احترام کامل می باشند و پیروان این مذاهب در انجام مراسم مذهبی، طبق فقه خودشان آزادند و در تعلیم و تربیت دینی و احوال شخصیه (ازدواج، طلاق، ارث و وصیت) و دعاوی مربوط به آن در دادگاهها رسمیت دارند و در هر منطقه ای که پیروان هر یک از این مذاهب اکثریت داشته باشند، مقررات محلی در حدود اختیارات شوراها بر طبق آن مذهب خواهد بود، با حفظ حقوق پیروان سایر مذاهب»

جهانگیر: ۱۳۷۶: اصل ۱۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران). قانون اساسی پاکستان در همین راستا در اصل ۲۳ بند سوم می‌آورد: « برای هیچ گروه دینی یا فرقه مذهبی، در زمینه ارائه تعالیم مذهبی به پیروان دین یا فرقه مزبور، در هر مؤسسه آموزشی که کاملاً توسط آن گروه یا فرقه مذهبی تأسیس شده باشد ممنوعیتی وجود نخواهد داشت.

۳- نتیجه

با مطالعه مقایسه‌ای آزادی در حقوق ایران و پاکستان این نتیجه حاصل می‌شود که حقوق اساسی ایران و پاکستان از جهات مختلف از جمله آزادی احزاب و جمعیت‌ها، آزادی تشکیل اجتماعات و راه‌پیمایی‌ها، آزادی در انتخاب شغل، آزادی‌های مربوط به اقلیت‌های مذهبی، آزادی‌های مربوط به اقوام و قبایل، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات، مبانی آزادی در اسلام بسیار به هم نزدیک و با یکدیگر هم سو هستند و دو کشور آزادی را مطلق و بی‌قید ندانسته‌اند و در اصول مختلف به این نکته اساسی اشاره دارد که حدود آزادی تا اندازه‌ای است که مخل و معارض با حقوق دیگران نباشد. لیکن منشاء این امر را باید در آموزه‌های اسلام جست و جو کرد زیرا هر دو کشور جمهوری اسلامی ایران و پاکستان اساس حکومت خویش را بر پایه اسلامی بودن قرار داده‌اند و اسلام ضمن تأکید بر آزادی در جنبه‌های مختلف هیچ‌گاه آزادی را مطلق و بی‌قید ندانسته است.

۴- منابع

۱. قران کریم
۲. آفتاب، اصغر، قانون اساسی جمهوری اسلامی پاکستان، لاهور: دارالعروبه للدعوه الاسلامیه، ۱۹۸۴ م.
۳. دهخدا، علی اکبر، لغت نامه، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵ ه. ش.
۴. ذکاوتی قراگزلو، علیرضا، اسباب النزول، چاپ اول، تهران: نشر نی، ۱۳۸۳ ه. ش.
۵. زنجانی، عباس علی، فقه سیاسی (عمید)، چاپ چهارم، تهران: انتشارات امیر کبیر، ۱۴۲۱ ه. ق.

۶. طباطبائی مومنی، منوچهر، *آزادی های اساسی و حقوق*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۹۴ ه. ش.
۷. طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*، ترجمه مترجمان، تهران: انتشارات فراهانی، ۱۳۶۰ ه. ش.
۸. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *تهذیب الأحکام*، چاپ چهارم، تهران: دار الکتب الإسلامیة، ۱۴۰۷ ه. ق.
۹. فرانس، روزنتال، *آزادی از دیدگاه مسلمانان*، ترجمه منصور میراحمدی، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۹ ه. ش.
۱۰. کلینی، محمد بن یعقوب، *الکافی*، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۱. مازندرانی، علی اکبر سیفی، *مبانی الفقه الفعّال فی القواعد الفقہیہ الأساسیہ*، چاپ اول، قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۲۵ ه. ق.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، *بحار الانوار*، بیروت: مؤسسه الطبع و النشر، ۱۴۱۰ ق.
۱۳. مطهری، مرتضی، *مجموعه آثار*، تهران: صدرا، ۱۳۹۰ ه. ش.
۱۴. معین، محمد، *لغت نامه*، تهران: انتشارات ساحل، ۱۳۸۲ ه. ش.
۱۵. منتظری نجف آبادی، حسین علی، *مبانی فقهی حکومت اسلامی*، مترجم: صلواتی، محمود و شکوری، ابو ال، ۸ جلد، قم: مؤسسه کیهان، ۱۴۰۹ ه. ق.
۱۶. منصور، جهانگیر، *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: نشر دوران، ۱۳۷۶ ه. ش.
۱۷. موسوی خمینی، روح الله، *صحیفه نور*، تهران: شرکت سهامی چاپخانه وزارت ارشاد اسلامی، ۱۳۶۱ ه. ش.